



تاثیر عملیات پرورشی بر مشخصه‌های کمی و کیفی گونه افراپلت (مطالعه موردی: سری برنجستانک، استان مازندران)

سید مصطفی مسلمی سیدمحلله^۱، علی کیالاشکی^۲، هاتف پری‌نژاد^۳ و سیده کوثر حمیدی^۳

۱- دانشجوی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس و کارشناس آموزشی گروه جنگلداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری،

(نویسنده مسئول: smm797@yahoo.com)

۲- دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۳- دانشجوی دکتری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۱

چکیده

یکی از ضرورت‌های بهبود کیفی و کمی جنگل اجرای درست عملیات پرورشی جنگل است. در این مطالعه برای بررسی میزان تغییرات جنگل در نتیجه اجرای عملیات پرورشی، دو توده مدیریت شده (پارسل ۱۳) و توده شاهد (پارسل ۲) سری دو برنجستانک استان مازندران انتخاب شد. مساحت هر قطعه ۳۰ هکتار، روش آماربرداری منظم-تصادفی، ابعاد شبکه ۱۰۰ × ۱۰۰ متر و مساحت هر پلات نمونه‌برداری چهار آر انتخاب شد و مشخصه‌های کمی و کیفی گونه افراپلت (*Acer velutinum*) در هر دو توده مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. سن جنگل‌کاری مورد بررسی ۲۰ سال و فواصل اولیه کاشت نهال‌ها ۲×۲ متر بود. روش تنک کردن گزینشی مثبت و از بالا بوده و چرخش تنک کردن سه الی پنج سال و شدت تنک کردن در هر چرخش به طور تقریب ۱۴ درصد بود. نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین تعداد در هکتار در توده شاهد، ۱۳۶۵ اصله و در توده مدیریت شده ۹۷۷ اصله، میانگین قطر برابر سینه ۱۳/۵ سانتی‌متر در توده شاهد و ۱۶/۴ سانتی‌متر در توده مدیریت شده، میانگین حجم در هکتار ۱۶۴/۲ مترمکعب در توده شاهد و ۱۸۸/۵ مترمکعب در توده مدیریت شده و ضریب قدکشیدگی در توده شاهد ۱۰۵/۵ و در توده مدیریت شده ۹۹/۴ می‌باشد. آزمون‌های آماری نشان داد که بین میانگین اماره‌های کمی دو توده در سطح اعتماد ۰/۰۵ اختلاف معنی‌دار وجود دارد. همچنین وضعیت کیفیت تنه، تقارن تاج، سلامت تاج و آشکوب‌بندی درختان موجود در قطعه مدیریت شده دارای شرایط بهتری نسبت به درختان توده شاهد بود. نتایج این پژوهش آشکار ساخت که عملیات پرورشی تغییرات مثبتی را در مقدار تولید چوب و خصوصیات ساختاری توده ایجاد کرده است.

واژه‌های کلیدی: برنجستانک، توده شاهد، توده مدیریت شده، عملیات پرورشی

مقدمه

جنگل‌های خزری که به عنوان جنگل‌های پهن‌برگ و خزان‌کننده ایران شناخته می‌شوند، از سواحل دریای مازندران تا دامنه‌های البرز و مراتع و چراگاه‌های کوهستانی آن از آستارا تا گرگان امتداد می‌یابد و از مغرب تا ارسباران و از مشرق تا گلیداغی و جنگل‌های گلستان پیش می‌رود (۱۶). یکی از مهمترین درختان جنگلی ناحیه خزری گونه افراپلت (*Acer velutinum* Boiss) می‌باشد که از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت است. گونه افراپلت یکی از افراهای بزرگ اندام این جنگل‌هاست که در گذشته (۴۰ سال قبل) از نظر حجم حدود هشت درصد ترکیب این جنگل‌ها را تشکیل می‌داد (۱)، ولی امروزه به دلایل گوناگون از لحاظ تعداد، ۲/۷۳ درصد و حجم، ۵/۷۸ درصد از جنگل‌های شمال را تشکیل داده است (۳). این گونه در ردیف یکی از گونه‌های سریع‌الرشد جنگل‌های شمال است که در دو دهه اخیر نسبت به جنگل‌کاری با آن اقدام شده و توده‌های خالص و همسال این گونه در نقاط مخروبه جنگل‌های شمال بوجود آمده است.

عملیات پرورشی تحولی در رویش درختان جنگلی ایجاد می‌کند و تعیین رویش گونه‌ها یکی از مباحث اساسی در مدیریت جنگل است. آنچه مسلم است پژوهش درباره اجرای عملیات پرورشی و رویش گونه‌های دست کاشت بومی به منظور افزایش تولید جهت پاسخ‌گویی مناسب به تقاضای روز افزون فرآورده‌های چوبی مورد مصرف کارخانجات متعدد از اقدامات مهم مدیریت جنگل است. جنگل‌کاری بابت احیاء

جنگل‌های مخروبه شمال کشور از سال ۱۳۳۹ شروع و توسعه چشمگیر آن در دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ بوده است (۷). میزان عملکرد سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در زمینه جنگل‌کاری و احیای جنگل‌های شمال کشور در طول دو برنامه اول و دوم توسعه (از سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۸) حدود ۸۷۷۰۰۰ هکتار بوده است که لزوم عملیات پرورشی را در این توده‌ها بویژه که قطب تولید چوب کشور را تشکیل می‌دهند، ضروری می‌سازد (۲). پرورش توده‌های جنگلی نه تنها باعث افزایش کمی و کیفی تولید می‌شود، بلکه مقاومت جنگل را در مقابل آفات، امراض افزایش داده و خسارات ناشی از طوفان و برف را کاهش می‌دهد. پرورش جنگل در حقیقت مهمترین فعالیت جنگل‌شناسی محسوب می‌شود و کلیه مسائل مربوط به تربیت و اصلاح توده‌های جنگلی را شامل می‌شود. در حقیقت شدت و ضعف دخالت‌های پرورشی در جنگل، روش جنگل‌شناسی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. هدف و منظور اصلی پرورش جنگل تقویت و اصلاح کمی و کیفی توده جنگل و سالم نگه داشتن آن در طول حیات طولانی جنگل است. بدون اجرای عملیات پرورشی جنگل، امکان اجرای سایر عملیات جنگل‌شناسی و اجرای اصول جنگلداری علمی و فنی وجود نخواهد داشت. تحقیقاتی که در مورد سوزنی‌برگان انجام شده است، نشان می‌دهد که عملیات پرورشی در طولانی مدت باعث افزایش رویش می‌شود.

در تحقیقات گذشته در مورد گونه نوئل در فنلاند و فیروزان در ایران در مورد کاج تدا به این نتیجه رسیدند که

مطالعه‌ای در ایالت متحده نشان داد که رشد قطری درختان بعد از دو بار تنک‌سازی تا ۵۱ درصد افزایش می‌یابد که در نتیجه باز شدن تاج پوشش رسیدن نور کافی و بهبود قدرت فیزیولوژیکی درختان باقیمانده بوده است (۹). پژوهشی در فرانسه در زمینه کاشت افرا به صورت خالص و آمیخته (به‌همراه زبان‌گنجشک و گیلاس‌وحشی) انجام شد. این جنگل‌کاری با انبوهی اولیه متفاوت (بیشینه تا ۸۰۰۰ و کمینه تا ۴۰۰ پایه در هکتار) بوده که در نتیجه سن اولین تنک کردن را در حوالی ۱۵-۱۲ سال و یا وقتی که ارتفاع غالب توده حدود ۱۰ متر باشد توصیه کرده است و رشد متوسط سالانه در سنین اولیه (۲۰-۱۰ سال) را از ۱/۸ تا ۴/۳ سانتی‌متر برای قطر برابر سینه و ۶۲ تا ۸۳ سانتی‌متر برای ارتفاع بیان گزارش کرد (۶). ترکیب و ساختار توده‌های طبیعی و بهره‌برداری شده (توده‌های ۱۲ ساله با برش تک‌گزینی و ۲۸-۳۳ ساله با برش در طبقات قطری پایین) را در بکب کانادا با گونه‌های غالب افرا، راش و سایر گونه‌های پهن‌برگ مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته شد که بین ساختار و ترکیب گونه‌ای توده‌های سالمند با توده‌های ۱۲ و ۲۸-۳۳ ساله اختلاف ساختاری معنی‌داری وجود دارد. همچنین در این توده‌ها به‌علت باز شدن بیش از حد تاج پوشش، تراکم زادآوری گونه‌های ناخواسته‌ای غیر از گونه‌های اصلی را سبب شده است (۴). گونه افراپلت از نظر خصوصیات جنگل‌شناسی بسیار نزدیک با یکی از افراهای موجود در اروپا یعنی افرای شبه‌چناری (*Acer pseudoplatanus* L.) است و تحقیقات در زمینه دخالت‌های پرورشی در توده دست‌کاشت این گونه نیز در اروپا سابقه چندانی ندارد.

مطالعه‌ای به بررسی جنگل‌کاری گونه توسکا در دو توده شاهد و دخالت‌شده پرداخت و در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تعداد در هکتار درختان در توده دخالت‌شده از مجموع ۶۳۰ اصله درخت در هکتار بیشترین فراوانی تعداد مربوط به طبقه قطری ۲۲/۵-۱۷/۵ سانتی‌متر به تعداد ۲۸۴ اصله می‌باشد. در صورتی‌که در توده دخالت‌نشده (شاهد) بیشترین فراوانی تعداد از مجموع ۶۵۵ اصله درخت در هکتار در طبقات قطری ۱۷/۵-۱۲/۵ سانتی‌متر قرار دارد این مسأله بیانگر آن است که با انجام عملیات پرورشی علاوه بر اینکه تعداد درختان در هکتار کاهش یافته از طرفی موجب افزایش تعداد درختان در طبقه قطری بالاتر می‌گردد (۱۳).

در پژوهشی با بررسی رویش و تولید چوب توسکای ییلاقی پس از اجرای سه دوره عملیات پرورشی تنک کردن در نوشهر به این نتیجه رسید که تعداد درختان از ۱۷۰۰ اصله به ۴۰۰ اصله در هکتار کاهش یافت و اندازه قطر درختان ۷۶ درصد و ارتفاع درختان ۴۰ درصد افزایش یافت (۱۱).

پژوهشی با هدف تأثیر شدت‌های مختلف تنک کردن بر گونه نوئل در جنگل‌های دست‌کاشت اسالم تحت تأثیر تیمارهای مختلف شامل منطقه شاهد، تیمار سبک، متوسط و شدید، پرداخت که در طی یک دوره ۱۰ ساله مورد اندازه‌گیری قرار گرفت و بیان شد که میانگین قطر برابر سینه در طول تیمار شاهد، تیمار سبک، متوسط و شدید در طی یک پریود ۱۰ ساله به میزان ۴، ۵/۹، ۶/۹ و ۷ سانتی‌متر افزایش یافته

عملیات پرورشی (عملیات تنک کردن) سرعت رشد درختان را افزایش می‌دهد و برداشت درختان چیره‌مجاور، رویش شعاعی درخت را بهبود می‌بخشد (۷، ۱۱، ۱۹). در مطالعه‌ای تحت عنوان اثر تنک کردن بر رویش قطری گونه‌ها در سری چندلا طرح جنگلداری چوب و کاغذ مازندران به این نتیجه رسید که میانگین قطر برابر سینه و رویش متوسط قطری توسکا ییلاقی در توده دخالت‌شده و شاهد بیشتر از گونه افراپلت می‌باشد ولی ضریب قدکشیدگی (H/D) درختان افراپلت در هر دو توده (تنک‌شده و شاهد) بیشتر از توسکا ییلاقی بوده است (۵). پژوهشی در ارزیابی تأثیر فاصله کاشت بر وضعیت کمی و کیفی جنگل‌کاری توسکا ییلاقی بیان می‌کند که میانگین ضریب قدکشیدگی توده توسکا در حالت فاصله کاشت ۳×۳ کمترین و در فاصله کاشت ۱×۱ بیشترین است که نشان از پایداری توده در فاصله کاشت ۳×۳ متر است (۱۵). تحقیقی به بررسی کمی و کیفی توده‌های دست‌کاشت سکویا، توسکا و افراپلت در منطقه جیسای عباس‌آباد مازندران پرداخت. در این تحقیق به روش نمونه‌برداری تصادفی سیستماتیک تعداد ۴۶ قطعه نمونه با ابعاد پلات آماربرداری ۲۵×۲۰ متر (۵۰۰ متر مربع) پارامترهای کمی مثل میزان زنده‌مانی، ارتفاع گونه‌ها، قطر برابر سینه، سطح مقطع برابر سینه (در هکتار) و همچنین وضعیت کیفی توده‌ها مثل ارتفاع هرس، وضعیت کیفی تنه، وضعیت تاج پوشش و ... مورد ارزیابی و در زیر قطعه ۱۰×۱۰ (۱۰۰ مترمربع) کلیه زادآوری طبیعی برای مراحل مختلف رویشی مورد شمارش قرار گرفت. نتایج بدست آمده در توده‌های خالص مورد تحقیق و در توده افراپلت با سطح مقطع ۱۰/۴ مترمربع در هکتار و توسکا با ۱۸/۵ مترمربع و سکویا با ۴۱/۲ مترمربع در هکتار بوده که گونه سکویا بیشترین سطح مقطع در هکتار را داشته و همچنین بیشترین حجم در هکتار را گونه سکویا، به میزان ۴۲۸ متر مکعب نسبت به توسکا با ۲۸۴ متر مکعب در هکتار و افراپلت با ۱۳۷ مترمکعب در هکتار را تشکیل داده است (۷). مطالعه‌ای با هدف بررسی اثر تنک کردن بر روی خصوصیات کمی و کیفی گونه افراپلت (*Acer velutinum*) در شهر آمل انجام شد. نتایج پس از یک دوره پنج ساله با دو آماربرداری صددرصد در توده اصلی و یک دوره ۱۲ ساله با اندازه‌گیری خصوصیات کمی و کیفی سالانه درختان آینده و انجام شش بار تنک کردن مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در توده اصلی برخی جابجایی‌ها در اشکوب‌ها معنی‌دار است. در درختان آینده، تأثیر مثبت تنک کردن شدید روی رویش قطری در ارتفاع برابر سینه، قطر تاج و به ویژه کاهش ضریب قدکشیدگی در مقابل افزایش آن در تیمار شاهد، در سطح یک درصد قابل تأیید است. رویش سطح مقطع در فاصله دو آماربرداری در تنک کردن شدید به دو برابر افزایش یافت و در همین مدت رویش فوق به طور متوسط سه متر مربع در هکتار در سال بدست آمد. همچنین متوسط رویش حجمی سالیانه برای توده باقی‌مانده و برای کل توده به ترتیب ۱۵/۴۳ و ۲۹/۰۷ مترمکعب در هکتار در سال محاسبه شد. تنک کردن همچنین بر ضریب قدکشیدگی و همچنین تولید بیولوژیک ۱۵/۴۳ متر مکعب در سال و در هکتار اثر معنی‌داری داشت (۱۳).

شهرستان قائمشهر و از نظر استحقاقی در حوزه اداره منابع طبیعی شهرستان قائمشهر قرار دارد. تحقیق حاضر در توده دست‌کاشت افراپلت واقع در پارس‌های دو (شاهد) و ۱۳ (مدیریت شده) جنگل‌های سری برنجستانک انجام شد (شکل ۱). جنگل‌های این سری بین عرض شمالی $20^{\circ} 51' 52''$ تا $35^{\circ} 35' 35''$ و طول شرقی $52^{\circ} 56'$ واقع شده‌اند. مساحت کل این سری ۱۲۰۸ هکتار می‌باشد (۳).

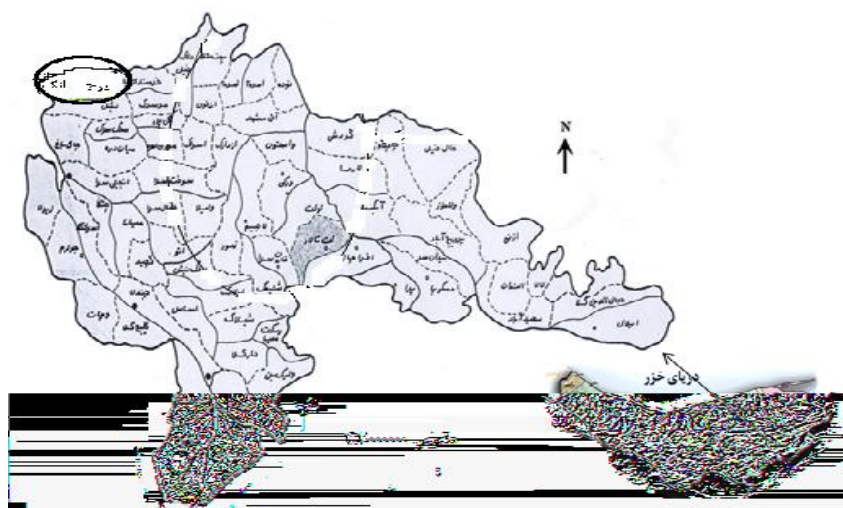
در این تحقیق پارس‌های ۲ و ۱۳ سری برنجستانک به مساحت ۳۰ هکتار به ترتیب به عنوان توده شاهد و مدیریت شده به منظور تاثیر عملیات پرورشی بر مشخصه‌های کمی و کیفی گونه افراپلت در نظر گرفته شده است. برای انجام این تحقیق پارامترهای لازم جهت بررسی کمی و کیفی درختان در دو توده شاهد و توده مدیریت شده انجام شد که پارامترهای کمی شامل، قطر برابر سینه، ارتفاع درخت، ارتفاع تنه، قطر تاج، ارتفاع تاج و پارامترهای کیفی شامل؛ وضعیت تاج پوشش، عوامل تخریب و نوع آشکوب بود.

است (۱۷). موجودی در هکتار در توده‌هایی با شرایط شاهد، تیمار سبک، متوسط و شدید در طی یک پرپود ۱۰ ساله به میزان $37/2$ ، $60/2$ و 28 و 65 متر مکعب در هکتار افزایش داشته است.

بنابراین یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای بهبود کیفی و کمی جنگل اجرای درست عملیات پرورشی جنگل است که تنک کردن نیز یکی از مراحل مهم این عملیات محسوب می‌شود. زیرا تمرکز روی درختان انتخاب شده که آینده‌ساز جنگل هستند صورت می‌پذیرد و توده از لحاظ میزان رویش و کیفیت محصول و پایداری توده افزایش می‌یابد. تحقیق پیش‌رو نتیجه عملکرد پرورشی در دو توده شاهد و مدیریت شده گونه افراپلت در سری برنجستانک را نشان می‌دهد.

مواد و روش‌ها

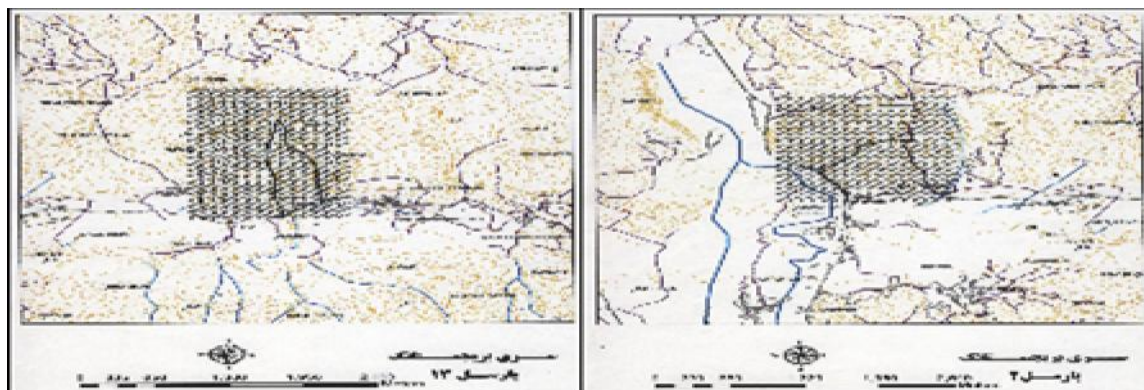
جنگل‌های سری برنجستانک در حوزه آبخیز شماره ۶۳ قرار دارد و بر اساس تقسیمات انجام شده سری دو از بخش یک جنگل‌های حوزه چوب و کاغذ مازندران را تشکیل می‌دهد. این سری از لحاظ تقسیمات کشوری در حوزه



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی سری برنجستانک
Figure 1. Location of the study area

ابتدا روی نقشه طراحی و سپس در طبیعت پیاده شد (شکل ۲). ابعاد شبکه آماربرداری 100×100 متر و به ازای هر هکتار در یک پلات چهار آری (به صورت دایره با شعاع $11/28$ متر)، کلیه درختان موجود در آن از نظر کمی و کیفی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفتند (۹).

در این تحقیق از روش آماربرداری تصادفی سیستماتیک استفاده و برای انجام این کار ابتدا نقشه توپوگرافی با مقیاس $1:25000$ قطعات فوق تهیه گردید و سپس با توجه به این که توده‌های مذکور همگن و همسال بودند برای هر پارس، ۳۰ پلات در نظر گرفته شده که پلات‌های مورد نظر



شکل ۲- شبکه آماربرداری تصادفی سیستماتیک قطعات ۲ و ۱۳ سری برنجستانک
Figure 2. Network Statistics systematic random sampling parts 2 and 13 series Berenjestanak

حسب درصد فراوانی درختان آسیب دیده نسبت به درختان سالم تعیین شد. با توجه به اجرای عملیات پرورشی در مدت ۲۰ سال و تخریب توسط انسان و عوامل طبیعی، توده را از نظر ارتفاعی و پروفیل طولی به سمتی سوق داد که در هر پلات ایجاد طبقه قابل تفکیک بین درختان بوجود آورد که بر حسب تجربه آن را به سه طبقه (چیره، چیره‌نما و مغلوب) تقسیم نمود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

نخست نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و همگنی واریانس‌ها با آزمون لون مورد بررسی قرار گرفت. مقایسه و تجزیه و تحلیل‌های داده‌های کمی در دو توده با آزمون تی-استیودنت مستقل (با واریانس برابر) و داده‌های کیفی با آزمون مربع کای در نرم‌افزار SPSS 16 انجام شد.

نتایج و بحث

آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول مشخص می‌باشد، میانگین قطر برابر سینه درختان افراپلت در دو توده شاهد و مدیریت شده به ترتیب ۱۳/۵ و ۱۶/۴ سانتی‌متر، میانگین ارتفاع تنه در توده شاهد ۱۴/۲۵ متر و در توده مدیریت شده ۱۲/۲ متر، میانگین قطر تاج در توده شاهد ۲/۱۵ متر و در توده مدیریت شده ۲/۴۹ متر، میانگین ارتفاع تاج در توده شاهد ۳/۰۴ متر و در توده مدیریت شده ۴/۰۹ متر، میانگین رویه زمینی در هکتار برای توده شاهد ۰/۱۵۴۴ متر مربع و برای توده مدیریت شده ۰/۲۲۴۵۷ متر مربع و میانگین حجم در هکتار برای توده شاهد ۱۶۴/۲ متر مکعب و برای توده مدیریت شده ۱۸۸/۵ متر مکعب محاسبه شد در مورد تمام متغیرهای مذکور اختلاف بین دو توده در سطح اعتماد ۹۵ درصد معنی‌دار بود. همچنین میانگین تعداد در هکتار برای توده شاهد ۱۳۶۵ اصله و برای توده مدیریت شده ۹۷۷ اصله و میانگین حجم هر اصله درخت در توده شاهد، ۰/۱۲ مترمکعب و در توده مدیریت شده، ۰/۱۹ متر مکعب بدست آمد. ضریب قدکشیدگی درختان افراپلت نیز در توده شاهد بیشتر (۱۰۵/۵) از توده مدیریت شده (۹۹/۴) بود.

برای پیاده کردن پلات‌های فوق در طبیعت، مختصات طول و عرض جغرافیایی تمامی نقاط پلات‌ها به دستگاه GPS داده شده، سپس با استفاده از آن در طبیعت پیاده شد. برای محاسبه تعداد در هکتار، تعداد درختان اندازه‌گیری شده در هر قطعه‌نمونه را با توجه به سطح قطعه‌نمونه (۴ آر) در عدد ۲۵ ضرب شد تا تعداد در هکتار هر قطعه‌نمونه مشخص شود. برای هر توده، تعداد در هر هکتار همه قطعات نمونه موجود در هر توده‌ای را جمع و تقسیم بر تعداد قطعات نمونه موجود در هر توده نموده تا توسط تعداد در هکتار متوسط در سطح هر پارسل بدست آید.

در توده مدیریت شده، سال اول (۶۹-۱۳۶۸) سله‌شکنی، تا پنج سالگی (۱۳۷۳) عملیات آزاد کردن و تا ۱۰ سالگی (۱۳۷۸) عملیات پاک کردن صورت پذیرفت. از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۸ در دو چرخش تنک کردن انجام شد. فاصله‌ی نهال‌ها در هنگام کاشت ۲×۲ متر بوده. روش تنک کردن انتخاب مثبت و از بالا اعمال شده است. سن توده ۲۰ سال و چرخش تنک کردن ۳ الی ۵ سال بوده است. شدت تنک کردن در هر چرخش ۱۴ درصد و به طور تقریب در هر سال مساوی و به نسبت یکسان انجام شد.

در تمام پلات‌ها قطر درختان در ارتفاع برابر سینه به وسیله خط‌کش دو بازو تعیین و ارتفاع درختان با استفاده از شیب‌سنج سونتو و متر اندازه‌گیری شد. قطر تاج بوسیله متر نواری اندازه‌گیری و میانگین آنها محاسبه شد. برای تعیین ارتفاع تاج هر درخت، ارتفاع تنه درختان از ارتفاع کل درخت کم شد. مطالعه کمی مشخصه‌هایی نظیر قطر برابر سینه، ارتفاع کل، ارتفاع تنه، قطر تاج، ارتفاع تاج، سطح مقطع در هکتار، حجم در هکتار با فرمول محاسبه حجم $V=G \times h \times f$ (۲۰) و تعداد در هکتار و ضریب قدکشیدگی (نسبت میانگین ارتفاع به میانگین قطر برابر سینه توده) در توده شاهد و مدیریت شده مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. مشخصات کیفی درختان برداشت شده شامل وضعیت تاج پوشش، عوامل تخریب و نوع آشکوب برای تک تک درختان در فرم قطعه تهیه شده یادداشت شد.

میزان تخریب و آسیب‌دیدگی درختان توسط عوامل انسانی (شاخه‌زنی، کت‌زنی و سوختگی) و عوامل طبیعی (تخریب توسط دام، صاعقه و تگرگ و...) در هر پلات بر

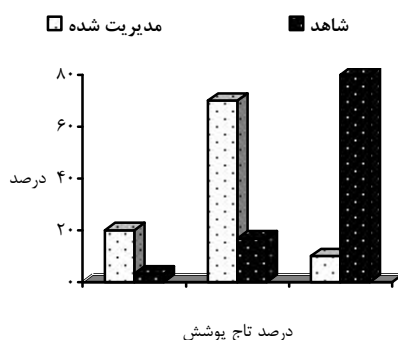
جدول ۱- میانگین و انحراف معیار مشخصه‌های کمی درختان افرایلت در قطعات شاهد و مدیریت شده

Table 1. Mean features of few trees in control plots and managed *Acer velutinum*

متغیر	توده شاهد	توده مدیریت شده
انحراف معیار $\pm$ میانگین	انحراف معیار $\pm$ میانگین	انحراف معیار $\pm$ میانگین
تعداد درختان در هر هکتار (اصله)	۱۳۶۵ $\pm$ ۸/۲۲	۹۷۷ $\pm$ ۳۳/۸۷
حجم در هر هکتار (مترمکعب)	۱۶۴/۲ $\pm$ ۳/۹	۱۸۸/۵ $\pm$ ۴/۳
رویه زمینی در هکتار (مترمربع)	۰/۰۱۵۴۴ $\pm$ ۸۸/۰۶	۰/۰۲۲۴۵۷ $\pm$ ۱۰۷/۶
قطر برابر سینه (سانتی‌متر)	۱۳/۴۵ $\pm$ ۳/۹	۱۶/۴ $\pm$ ۴/۳
ارتفاع (متر)	۱۴/۲ $\pm$ ۲/۷	۱۶/۳ $\pm$ ۲/۵
ارتفاع تنه (متر)	۱۱/۲۵ $\pm$ ۳/۸	۱۲/۲ $\pm$ ۲/۵
ارتفاع تاج	۳/۰۴ $\pm$ ۱/۳	۴/۰۹ $\pm$ ۱/۲
قطر تاج	۲/۱۵ $\pm$ ۱/۰۳	۲/۴۹ $\pm$ ۰/۸۱۱
ضریب قد کشیدگی	۱۰۵/۵	۹۹/۴

پلات‌ها دارای تاج پوشش ۵۰ تا ۹۰ درصد و ۲۰ درصد پلات‌ها دارای تاج پوشش کمتر از ۵۰ درصد می‌باشند. با توجه به آزمون مربع کای، بین درصد فراوانی تاج پوشش درختان در دو توده شاهد و مدیریت شده اختلاف معنی‌داری در سطح اعتماد ۹۵٪ وجود داشت (شکل ۳).

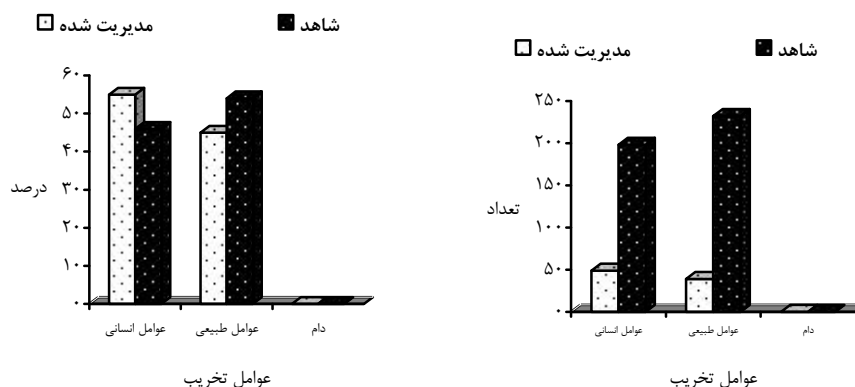
بر اساس نتایج بدست‌آمده از تحلیل مشخصه‌های کیفی در توده شاهد، ۸۰ درصد پلات‌ها دارای تاج پوشش بیشتر از ۹۰ درصد، ۱۶/۷ درصد پلات‌ها دارای تاج پوشش بین ۵۰ تا ۹۰ درصد و ۳/۳ درصد پلات‌ها دارای تاج پوشش کمتر از ۵۰ درصد می‌باشند، در حالی که در توده مدیریت شده، ۱۰ درصد پلات‌ها دارای تاج پوشش بیشتر از ۹۰ درصد، ۷۰ درصد



شکل ۳- وضعیت تاج پوشش گونه افرایلت در توده شاهد و توده مدیریت شده
Figure 3. The canopy species in a sample stand platform and managed stands

نتایج آزمون تی‌استیودنت فرض با واریانس برابر، بین تعداد تخریب در دو توده شاهد و مدیریت شده در سطح اعتماد ۹۹ درصد، اختلاف معنی‌داری (سطح معنی‌داری = ۰/۱۱) وجود دارد.

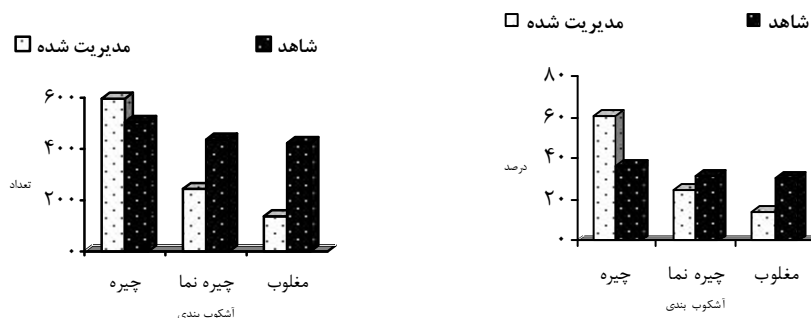
با توجه به شکل ۴، در توده شاهد ۱۹۸ اصله (۴۶ درصد) درخت افرایلت توسط عوامل انسانی و ۲۳۲ اصله (۵۴ درصد) توسط عوامل طبیعی تخریب شده‌اند، اما در توده مدیریت شده ۴۹ اصله (۵۶ درصد) درختان توسط انسان و ۳۹ اصله (۴۴ درصد) توسط عوامل طبیعی تخریب شده‌اند. با توجه به



شکل ۴- وضعیت عوامل تخریب گونه افراپلت در توده شاهد و توده مدیریت شده
Figure 4. The situation of mass destruction maple control and managed in the cloud

مدیریت شده در آشکوب‌بندی در توده شاهد قرار داشتند. با توجه به نتایج آزمون مربع کای، بین درصد فراوانی آشکوب‌بندی درختان در دو توده شاهد و مدیریت شده اختلاف معنی‌داری وجود ندارد (شکل ۵).

از نظر آشکوب‌بندی در توده شاهد، تعداد درختان موجود در آشکوب‌بندی کمتر از توده مدیریت شده بوده است. در توده مدیریت شده بدلیل دخالت‌های پرورشی انجام شده درصد فراوانی درختان در آشکوب‌بندی بیشتر از چیره‌نما و مغلوب می‌باشد. به عبارت دیگر ۶۱ درصد درختان توده



شکل ۵- آشکوب‌بندی گونه افراپلت در توده شاهد و توده مدیریت شده
Figure 5. The layers of mass destruction maple control and managed in the cloud

یافته‌اند (جدول ۱). با توجه به اینکه فواصل اولیه کاشت نهال‌ها ۲×۲ متر و یا انبوهی اولیه کاشت برابر ۲۵۰۰ پایه در هکتار بوده است، تفاوت موجود در توده شاهد ناشی از خسارت‌های طبیعی است (تاکنون هیچ‌گونه عملیات پرورشی در توده شاهد انجام نشده است). این مقدار خسارت برای گونه افراپلت امری طبیعی بوده و از سرشت نسبتاً ظریف این گونه ناشی می‌شود. اگر چه تعداد در هکتار توده شاهد بیشتر از توده مدیریت شده است، اما سطح مقطع در هکتار آن کمتر است. این امر به مفهوم آنست که درختان این توده کم قطر بوده اما در توده مدیریت شده با توجه به اینکه تعداد درختان کمتر است اما دارای سطح مقطع در هکتار بیشتری هستند. چون سطح مقطع ارتباط مستقیم با قطر درختان دارد. در تحقیقی مقدار تلفات درختان را برای گونه افراپلت در توده شاهد و

پرورش جنگل بخشی از علم جنگل‌شناسی و فن جنگلداری است که مستقیماً با درخت، استقرار تجدیدحیات و رشد آن ارتباط دارد. این عملیات در حقیقت مرحله داشت جنگل است که اجرای کلیه مراحل آن بطور طبیعی برای درختان بومی جنگل‌های شمال کشور حدود ۱۰۰ سال بطول می‌انجامد (۱۲). عملیات پرورشی تنک کردن سبب بهبود نرخ رویشی و سایر خصوصیات کمی و کیفی درختان می‌شود. در این پژوهش از جمله فاکتورهایی که برای قضاوت در مورد رشد درختان در مقایسه دو توده مورد بررسی قرار گرفت، قطر برابر سینه، ارتفاع و حجم بود. نتایج ارزیابی دو توده مدیریت شده و توده شاهد گونه افراپلت نشان داد که از نظر تعداد در هکتار، در توده مدیریت شده نسبت به توده شاهد حدود ۲۸/۴ درصد درختان در اثر عملیات تنک کردن کاهش

شده است و این موضوع ناپایداری بیشتر توده شاهد را نسبت توده مدیریت‌شده می‌رساند. بنابراین نیاز است که با انجام دخالت‌های پرورشی تنک کردن در توده مدیریت‌شده میزان پایداری جنگل را افزایش داد تا در مقابل باد، برف و طوفان مقاوم گردد. با توجه به طبقه‌بندی توده شاهد خیلی ناپایدار و توده مدیریت‌شده ناپایدار می‌باشد (۱۴). بنابراین نیاز است که با انجام دخالت‌های پرورشی تنک کردن با شدت بیشتر میزان پایداری جنگل را افزایش دهیم تا در مقابل باد و برف و طوفان مقاوم گردد. امانی و همکاران میزان ضریب قدکشیدگی گونه افرا شبه‌چناری را در طرح آزمایشی امامزاده عبدالله آمل، ۸۵ درصد تعیین شده است. همچنین ضریب پایداری افراپلت را در توده دست‌کاشت افراپلت در امامزاده در همان توده در ۱۰ و ۱۵ سالگی به ترتیب ۱۰۷ و ۸۴ محاسبه نمودند (۱۰۲). نتایج حاصله نشان داد که عملیات تنک کردن موجب افزایش قطر و کاهش ضریب قدکشیدگی درختان توسکا بیلاقی و افراپلت دخالت‌شده (در مقایسه با توده شاهد) گردید. ضمناً با انجام عملیات پرورشی رویش قطری توده تحریک شده و متناسب با افزایش ارتفاع رشد می‌نماید. بنابراین فاصله کاشت مناسب و تنک کردن به موقع نقش مهمی در پایداری توده و بالا بردن درصد زنده‌مانی گونه‌ها دارد. لذا اینطور نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش سن و قطر و با اجرای عملیات پرورشی، ضریب قدکشیدگی کاهش یافته و توده پایدارتر می‌گردد.

از نظر تاج‌پوشش درختان افراپلت در توده شاهد، ۸۰ درصد توده دارای تاج پوشش بیشتر از ۹۰ درصد می‌باشند. در صورتیکه در توده مدیریت‌شده با انجام دخالت‌های پرورشی تنک کردن، تاج پوشش درختان باز شده و ۷۰ درصد توده دارای تاج پوشش ۹۰-۵۰ درصد می‌باشند. اولین دخالت‌های پرورشی تنک کردن زمانی صورت می‌گیرد که تاج درختان در هم رفته و درگیر شده و رقابت برای رسیدن به نور شدت پیدا کرده است. با توجه به اینکه در توده مدیریت‌شده ۲۸ درصد درختان در دو مرحله تنک کردن برداشت شد با این وجود بدلیل شرایط مناسب جهت رشد و نمو درختان، تاج درختان بهم رسیده و نیاز است که در تنک کردن‌های بعدی با شدت بیشتری درختان برداشت گردند. این نتایج با تحقیقاتی که در فرانسه (۶) و ایالت متحده (۸) صورت گرفته است همسو می‌باشد، همچنین گرجی بحری در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که در هر مرحله از تنک کردن تاج‌پوشش درختان ۲۵ تا ۳۰ درصد باز گردد و این مقدار باز شدن تاج جنگل تا دخالت بعدی ترمیم خواهد شد (۱۰).

عوامل تخریب در توده‌های فوق شامل عوامل انسانی و عوامل طبیعی می‌باشند. عوامل انسانی شامل سرشاخه‌زنی، کت‌زدن و غیره بوده و عوامل طبیعی عواملی هستند که ناشی از پدیده‌های طبیعی و خارج از اراده انسان از جمله صفات ژنتیکی، صاعقه، سرمای دیررس، پوسیدگی و غیره می‌باشند. با توجه به نتایج به‌دست آمده در توده شاهد درصد تخریب درختان در اثر عوامل طبیعی بیشتر از عوامل انسانی بوده است، اما در توده مدیریت‌شده درصد تخریب درختان در اثر عوامل انسانی بیشتر از عوامل طبیعی بوده است. در پژوهشی

مدیریت‌شده در منطقه امامزاده عبدا.. آمل به ترتیب حدود ۳۶ و ۲۸ درصد برآورد شد (۲). در تحقیقات انجام شده درمورد توده کاج جنگلی (*Pinus sylvestris*) در یک دوره ۱۴-۱۳ ساله، بیان شده که انجام دخالت‌های پرورشی بر میانگین قطری سالیانه تأثیر مثبت داشته است (۱۸،۸).

در مورد متغیر ارتفاع درخت نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین ارتفاع درختان در توده شاهد کمتر از توده مدیریت‌شده است. در تحقیقات انجام گرفته درمورد گونه نوئل در فنلاند (۱۱) و فیروزاندر ایران (۷) در مورد گونه کاج تدا به این نتیجه رسیدند که عملیات پرورشی تنک کردن، سرعت رشد درختان را افزایش می‌دهد. در این تحقیق با توجه به معنی‌دار بودن واریانس متغیر ارتفاع بین دو توده توسط آزمون تی‌تست مشخص شده که دو توده از همگنی و پراکنش ارتفاعی یکسان برخوردار نیستند. این میزان واریانس ارتفاع در توده شاهد بیشتر از توده مدیریت‌شده است که دلیل آن هم می‌تواند اثرات عملیات پرورشی باشد به عبارتی به دلیل ورود نور بیشتر به توده و تعداد مناسب درختان و در نتیجه رقابت مساعد و همین‌طور به جهت بهبود کیفی جنگل دانست. گرجی بحری در پژوهش خود بیان کرد که با اجرای عملیات پرورشی تنک کردن توسکای بیلاقی طی سه دوره، تعداد درختان این گونه از ۱۷۰۰ اصله به ۴۰۰ اصله در هکتار کاهش یافت و اندازه قطر درختان ۷۶ درصد و ارتفاع درختان ۴۰ درصد افزایش یافت (۱۰). امانی و همکاران میانگین ارتفاع توده دست‌کاشت را در ۱۰ سالگی ۱۰/۹ متر بدست آوردند (۱).

در مورد متغیر حجم توده مشخص شد که اختلاف حجم بین دو توده ۲۴ مترمکعب است. در توده تنک‌شده با توجه به اجرای عملیات پرورشی تنک کردن و ورود نور بیشتر به جنگل و بالا رفتن کیفیت جنگل، قطر و ارتفاع از رشد نسبی بالاتری برخوردارند و چون حجم متأثر از دو عامل قطر و ارتفاع است لذا در نتیجه عملیات پرورشی موجب افزایش حجم تولیدات جنگلی در این توده شده است. مطابق جدول ۱ در هر دو توده با افزایش قطر، حجم درختان جنگل با شیب تندتری افزایش می‌یابد. همچنین در پژوهش پیش‌رو میانگین ارتفاع تنه، قطر تاج و ارتفاع تاج درختان برای توده شاهد کمتر از توده مدیریت‌شده برآورد شد (جدول ۱). افزایش قطر تاج نتیجه تأثیرات عملیات پرورشی بوده و در مقابل در توده شاهد به دلیل انبوهی درختان تاج به صورت فشرده بوده و دارای گستردگی کمتری می‌باشد.

پایداری توده جنگلی در برابر باد، طوفان و خطرات ناشی آن از جمله مهمترین مسائلی است که باید در برنامه‌ریزی پرورشی طرح‌های جنگلداری مورد توجه قرار گیرد. یکی از عوامل پایداری که به رابطه بین ارتفاع کل و قطر برابرینه درخت بر می‌گردد، ضریب قدکشیدگی است. به عبارت دیگر این ضریب از مهمترین مشخصه‌های یک درخت یا توده که جهت قضاوت میزان پایداری آن مورد استفاده واقع می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در هر توده با افزایش قطر ضریب قد کشیدگی تنه کاهش می‌یابد. جدول ۱ نشان می‌دهد که این ضریب در توده شاهد بیشتر از توده مدیریت‌شده

جانبه در خصوص نحوه دخالت‌های پرورشی و شدت برداشت توده‌ها در شرایط مختلف (ارتفاع، شیب، جهت، سن و گونه) صورت نگرفت و وجود یک دستورالعمل فنی و جامع و منسجم که منطبق بر تحقیق و پژوهش باشد ضروری به نظر می‌رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد پس از اجرای پژوهش‌های تکمیلی، با همکاری دستگاه‌های متولی دستورالعمل فنی و اجرایی عملیات پرورشی تنک‌کردن تدوین شود تا از برخورد دوگانه و سلیقه‌ای افراد که گاهی اوقات منجر به نتایج نامطلوب می‌گردد، جلوگیری به عمل آید. لذا بر پایه این تحقیق می‌توان اظهار کرد جنگل‌کاری با گونه‌های بومی، پر تولید و سریع‌الرشد نظیر افراپلت می‌تواند به‌منظور جبران خلاء تولید در آینده و رفع نیاز صنایع کاغذ در راستای کاهش فشار به جنگل‌های طبیعی با ارزش شمال کشور، در دستور کار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری قرارگیرد.

میزان تلفات طبیعی افراپلت را در ۱۰ سالگی ۳۶٪ بدست آوردند (۱). حدود ۷۰٪ درختان توده افراپلت دخالت شده در اثر تلفات طبیعی و سه مرحله عملیات تنک کردن با فواصل زمانی پنج ساله برداشت و از عرصه خارج شد. در واقع با انجام عملیات تنک کردن گرچه از نظر تعداد در هکتار توده دخالت شده کاهش یافته است ولی از نظر رشد قطری بهتر شده و نسبت به توده شاهد درصد بیشتری از درختان در طبقه قطری بالاتر قرار گرفتند.

در این پژوهش در توده شاهد ۵۰۵ اصله (۳۷ درصد) درختان در آشکوب چیره، ۴۳۷ اصله (۳۲ درصد) در آشکوب چیره‌نما و ۴۲۳ اصله (۳۱ درصد) مغلوب هستند، در صورتی که در توده مدیریت‌شده، ۵۹۶ اصله (۶۱ درصد) درختان در آشکوب چیره، ۲۴۴ اصله (۲۵ درصد) در آشکوب چیره‌نما و ۱۳۷ اصله (۱۴ درصد) مغلوب می‌باشند. در مجموع ذکر این نکته ضروریست که تاکنون بررسی علمی و دقیق و همه

منابع

1. Amani, M., GH. Ekhlasi, M. Esmailnia, M. Hassani, SH. Yazdani and H. Beheshti. 1996. Preliminary results of qualitative and quantitative and silvicultural investigations in young plantation of Maple (*Acer velutinum* Boiss.). Pajouhesh and Sazandegi, 31: 6-21 (In Persian).
2. Amani, M. and M. Hassani. 1996. The first results of a thinning program from quality and quantity aspects in maple trees in Amamzade Abdola Amol. Iranian Journal of Forest and Poplar Research, 12(29): 270-339 (In Persian).
3. Anonymous. 2002. Forestry projects Brnjstank series, part1.watershed 63 B Forest and Rangeland and Watershed Management Organization, 280 pp (In Persian).
4. Angres, V.A., Ch. Messier, M. Beaudet and A. Leduc. 2005. Comparing composition and structure in old-growth and harvested (selection and diameter-limit cuts) northern hardwood stands in Quebec. Forest ecology and Management, 217: 275-293.
5. Ardeshiri, A. 2010. Effects of the thinning on diameter growth of *Alnus glutinosa* and *Acer insigne* pure plantation (case study: compartment 2 and 3 in Chandla district of forestry plan of Mazandaran wood and paper). Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, 100 pp (In Persian).
6. Armand, G. 1992. Techniques de plantation des feuillus précieux: caractéristique des plants de Merisier. Frene et Erable sycamore. Ecole nationale du génie rural, des eaux et des forêts, Nancy (FRA), 10: 66-70.
7. Ismaili, ch. 2014. Quantitative and qualitative study of stem masses Sequoia, Alnus, Acer Velutinum In the Jeysai Abbas Abad Mazandaran, Master's thesis Islamic azad university Lahijan branch (In Persian).
8. Firuzan, A., A. Bonyad and M. Fallah. 2006. The study of the effects of Silviculture operation of thinning on qualitative and quantitative properties of *Pinus taeda* L species. Agriculture Science Journal, 3: 523-513 (In Persian).
9. Ginn, S.E. 1991. Physiological and growth responses of eight – year old loblolly pine stands to thinning . Forest Science, 37: 1030-1040.
10. Gorjibahri, Y. 1998. Growth and production of Alnus subcordata wood regional Noushahr. Forest and Rangeland, 38: 36-39 (In Persian).
11. Gorjibahri, Y., E. Shamsavari, Sh. Kiadaliri, R.A. Farajipoul and E. Abbasi. 2009. Rresearch on growth and wood production of *Alnus subcordata* in bottomlands of Mazandaran province. Journal of Forest & Range, 38: 36-39 (In Persian).
12. Jaakkola, T., H. Markinen and P. Sarenp. 2008. Wood Density within Norway Spruce Stems. The Finnish Forest Research Institute, 42(3): 439-455.
13. Hasani, M., A. Eslami and GH. Hadizadeh Marjani. 2016. The effect of thinning on young plantations of velvet maple (*Acer velutinum* Boiss) on the quantitative & qualitative characteristics future trees (Case study: Holomsar-Amol). Journal of Plant Research, 2(2): 339-351 (In Persian).
14. Marvimohajer, R. 2006. Silviculture, Tehran University, Tehran, 388 pp (In Persian).
15. Massumi, M. 2010. Investigation of growth particular of Alnus subcordata.in management and sample stands Babol-Kenar. M.Sc., Islamic Azad University challous Branch, 90 pp (In Persian).
16. Namiranian, M. 1991. Investigation of increment models application in forest. Natural Research Journal, 45: 93-102 (In Persian).
17. Rezaei Taleshi, S.A.A. and G. Ekhlasi. 2011. Evaluation of spacing impact on Quantitative and qualitative characteristics of Alder (*Alnus subcordata* C. A.meyer) plantation. Iranian journal of forest and poplar research, 19(45): 408-420 (In Persian).
18. Sabeti, H. 2006. Trees and shrubs species of Iran. Yazd University Press, 886 pp (In Persian).
19. Siahhipor, Z., B. Amanzadeh and Kh.Sagheb Talebi. 2010. First result Effects of the thinning on growth of *Picea* in Asalem forests. Iranian journal of forest and poplar research, 18(1): 45-35 (In Persian).
20. Varmola, M., H.Salminen. and M. Timonen. 2004. Thinning response and growth trends of seeded scots pine stands at the arctic timberline. Silvafennica, 38(1): 71-83
21. Zangeler, P. and W. Oberhuber. 2007. Dendron ecological analysis of the impact of debris flows on a high mountain forest ecosystem. Austria geo.res.abs, 19: 123-132.
22. Zobeiri, M. 2004. Forest inventory and measured, Tehran University Press, 401 pp (In Persian).

Effect of Thinning on the Quantitative and Qualitative Variables of *Acer Velutinum* Bioss (Case Study: Berenjestanak Seri, Mazandaran Province)

Seyed Mostafa Moslemi Seyedmahaleh¹, Ali Kialashaki², Hafez Parinezhad³ and Seyedeh Kosar Hamidi³

1- PhD Student, Tarbiat Modares University and Expert Education of Forestry Department of Sari Agriculture Sciences and Natural Resources University (Corresponding author: smm797@yahoo.com)

2- Associate Professor, Islamic Azad University of Chalous Branch

3- PhD Student, Sari Agriculture Sciences and Natural Resources University

Received: December 19, 2016 Accepted: September 2, 2017

Abstract

Tending Operation is one of the most important methods to improve equality and quantity of forest stands. In this study, two stands including non-managed (in parcel No.2) and managed stands (in parcel No.13) at the second series of "Berenjestanak" are selected to investigate the structural followed by tending operation. Thirty hectare of each parcel was selected, the statistic method was systematic and random, the net dimensions were 100×100 m and area of each sampling plot was 4000 m. The quantitative and qualitative variables of *Acer Velutinum* were measured in both stands. Age plantation was 20 years old and distances of each planted trees were 2 × 2 m. Thinning method was positive selection and rotation and thinning also was 3 to 5 years. Thinning intensity in each rotation was 14% approximately. Thinning operations was created a suitable atmosphere to select the trees. Results of this study show that the mean number in one hectare in sample stand was 1365 and in managed stand were 977. The average diameter of trees increased from 13.45 cm in sample stand up to 16.40 cm in managed stand. Also the volume average in one hectare increased from non-managed (164.2 m³) up to 188.5 m³ in managed stand. The stability coefficient of control stand and managed stand were estimated 105.5 and 99.4 respectively. The statistical tests showed that there was a reasonable difference between the averages of quantitative parameters of two stands in 95% confidence level and equality of averages (zero hypothesis) are rejected regarding to quality, the managed parcel trees are in better conditions comparing to sample stand trees. It is concluded that tending operation had great effects on quantity, quality and stability of stand.

Keywords: Berenjestanak, Managed stand, Sample stand, Thinning